

راسد

کامپین سایت روزگاری اجتماعی پادشاهی نگاه ملی (نگاه ملی)



سید جلیلی:
پسند رفاقت آقای روحانی
بیوود امساک انسان امرور
کار خوبی انتظام دارد که به
قطع کشیده باشد و بخوبی
و قیمت دارم حفاظت نگیری
او بروزی باری در برابر



پسند نهاده که بگذارد که برای این زبان شیوه نیست،
لیکن این امر ایال است
رایانه: Rasad.vru@gmail.com



اکبری بود دیر جاده شگاه و بی خبر (جع)
نقاش چهار چشم اسلامی، ظاظا
کار آسود است اما کارگزاران و
جزیمان امر هستند که باید
فضل پاشند، که منافقانه این را
بسیار کم دیده ایم.

@JadVru

بروزهای اصلی

طلوع اسلام در غرب

صفحه ۳

انقلاب اسلامی و صدور ارزش‌های فرهنگی

صفحه ۴

چی دادیم چی گرفتیم

صفحه ۴



بررسی نقایق در جامعه از صدر اسلام تا بعد از
انقلاب، براسان آیات و روایات

منافقین بدتر از کفارند

صفحه ۴

سیاست پدر و مادر ندارد!

صفحه ۴

دولت بی تدبیر و امید

صفحه ۴

ظهور صغیر موعود

اکبری سردبیر

فاطمه موسوی

سخن سردبیر

<

رهبر معظم انقلاب:
در قیصمه مقاومت در منطقه
غرب آسیا، امریکایی‌ها تعمیم
داشتند. مقاومت را پرسه کن
کنند اما ماستدیم و گفتیم
اجراه نماید.



آیت الله صدیقی در تماز جمعه تهران:
دکوبید طالب پیشتر برده بستیم،
حرام‌خواری در اسلام اش می‌گذارد
و ادلهای حرام‌خوار بی‌اطلاعه می‌شوند و با خلواده خود نمی‌جوشند
و حرام خواری قسالت قلب می‌آورد
و بدترین دردناک بیرحمی است.



امام جعفر صفاری:
راه برپون رفته از مشکلات کشور
نهجده دستگاه‌های مختلف کشور،
رؤسای سه سه و هماندیگار مجلس
است، شناخت پنهان اصول انقلاب
اسلامی بعضی انتقالی مادرن و
اتکا بر سرمایه‌های داخلی،
اعتماد به نیروی جوان.



سیاه پاسداران انقلاب اسلامی:
دهمندان با چشم انداز حده در آمد
چهلمنمی‌چشم پیروزی انقلاب را
خواهند دید ایران هرگز مرغوب
فتنه‌های متکر گرگا و اهربستان
نهاده شد.

پاس نبی

لایه خواهی

بانوی آب و آینه
هنوز زد است، هنوز چندی از حلقت پسر ام است
نه گذاشت است، باور
پس از نیزگانی علی‌عتر چند سال دارد
که از این نیزگانی سیری؟
ای هنرمند، ای پالسوی خوبی‌ها، سینه ات مخزن
اسرار خانست.
خلاقت آینه خوی خداست.
نورها ای از طلعت نورانی توست.
روز خیربر مین مرغ گلستانی توست.
راز هر کوی تو یک لیله رویاگی علی است.
گوش کشید، صدای موییه می‌ردی از نخلستان می‌شی
زمان پهلوی من و تو باید سگ از ما می‌ترسه.
اید، آن مرد علی است: همان که وزیر درب قلعه
خیر را از گندمیان و میل را تهی کنار.
دستست را پسر بالا این دختر پیامبر است: این کل
پاکار نبی است، باید بیل سه تدارد...
پاک مهربانی ها، حسن را بخوبی...
اشکار چیزی در دست پنهان دارد، حسن هنوز
انفاسی کوچه و سیلی را از پیشون نکرده، وان که در
دست دارد، گوشواره است.. همان گوشواره که از
گوششان در کوچه اتفاق.
پسند پاود راست بزای رفتن، حسن را خاطرات
کوچه تبا تکار.

طعم تلخ سیاست

حسن البری بور

چند روز پیش برای برگزاری جشن به مناسبت
۲۲ بهمن طرح جشن به شوایرانی از اینه
شد و بن طرح به دلیل اینکه شوایرانی فرهنگی
برگزاری جشن ها را به تشكل خاص نمی‌
دهند در شد!!!
(مراسمات را به تشكلی نمی‌شنند خودشون هم
برگزار نمی‌کنند)
البته مراسماتی هم که با کلی عزّ و چرّ
مجوز برگزاری سی گیریم هم هیچ چیزی
دست خودشان نیست از جمله فروش
بلطفه‌هاینگی جا دادن داشجیون در تالار،
فیلم برداری، عکسبرداری و حتی بذریابی!!!
شوایرانی عزیزاً خوب این چه کاره که
اسم ما باشه دیگه ما خودشون که همه کاری می‌
کنند بی زحمت به آقای عسگری بگید چنان
زنگ بزنن و خودشون هم به سخنران دعوت
کن دیگه!

تلنگ...

شورای فرهنگی باز هم دقت کی!

شنبه روز پیش برای برگزاری جشن به مناسبت
۲۲ بهمن طرح جشن به شوایرانی از اینه
شد و بن طرح به دلیل اینکه شوایرانی فرهنگی
برگزاری جشن ها را به تشكل خاص نمی‌
دهند در شد!!!
(مراسمات را به تشكلی نمی‌شنند خودشون هم
برگزار نمی‌کنند)
البته مراسماتی هم که با کلی عزّ و چرّ
مجوز برگزاری سی گیریم هم هیچ چیزی
دست خودشان نیست از جمله فروش
بلطفه‌هاینگی جا دادن داشجیون در تالار،
فیلم برداری، عکسبرداری و حتی بذریابی!!!
شوایرانی عزیزاً خوب این چه کاره که
اسم ما باشه دیگه ما خودشون که همه کاری می‌
کنند بی زحمت به آقای عسگری بگید چنان
زنگ بزنن و خودشون هم به سخنران دعوت
کن دیگه!

آرامش دلها بیا...

السلام علیک یا صاحب‌الزمان
سلام مولا جان!
کی تمام می‌شود خزان نبودن و فصل سرد
انتظارت...

کی می‌شود که این عقره‌های بی جان
انتظار از حرکت پایستند و مزده‌ی ظهورت
گوش نوار عالم و آدم شود...

هدیه جان بیا و استمان را بگیر و مرهی
برای دلایل خسته مان باید...

بیا نا نظره گر طلوع افتخار مهرت بر این
جهان تبره و نار باش...

بیا ناطر نرگس وجودت را همه‌ی عالم
استشمام کنند...

بیا و همه‌ی هق هق هایمان را همه‌ی
حرس هایمان را به خاطرات دیروز بسیار...
فراموشی این ایام و نیمه آمدنت ماه ها و سالهای
به ارغان باوارو...

آقا جان و بورنه‌ی نوری هستی که طاقت
مادن در این تاریخی و ظلمات دنیا را به ما
هدیه مدهی و به امید آمدنت ماه ها و سالهای
را سپری کنیم...

کاش می‌دانستم سرگرم شدن به این دنیا ما
را بخطه‌ی بحث خانه های زیارتگاری که
ما شما را به تاخیر انداده است ما
خوب می‌دانیم که مشکل از خودمان است به
استشای که براز دین زیبایی چه کردیم؟
چقدر کردیم؟

بر و شده ایم از زیارتگاری که
آمن شما را به تاخیر انداده است ما
خودمان را به خواب اید و نمی خواهیم که
بیدار شویم اگر اید این بود اینکه انتظار
به دراز کشیده نمی شد...

ما سالهای است که نمک خورده اید و نمکان را
کشته‌یم...

اما دهدی جان تو خودت خوب می‌دانی در
فقط اداه کردیم که به انتظارت نشسته اید
که منتظر واقعی بودن به عمل است و نه فقط
اظهار انتظار...

اما دهدی جان تو خودت خوب می‌دانی در

این زندگی نیازمند شما و اکنون بی شما نیم...

آقا جان ما شرمده اید...

ما بر تمام این بی همیزی هایمان برابیان
ساخت است که بیانش...

ای امیر دلها بیا و دلایل شکسته مان را از نو
بنان کن و این انتظار را پایان ده...

آنچه های روزگار را خواهیم داشت

آنچه های روزگار ر